

Iran's urban policies in managing Afghan migration: Socio-economic impacts on regional development

Pouria Shayegan Nia

(Ph.D. Candidate in Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Political Geography Department, Tehran, Iran)

Ali Beijeni

(Assistant Professor of Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Political Geography Department, Tehran, Iran. Corresponding Author)

Hossein Mojtabizadeh

(Assistant Professor of Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Political Geography Department, Tehran, Iran)

Abstract

Urban policies in Iran have played a pivotal role in shaping the social and economic outcomes of Afghan migration on regional development. Given Iran's geographic position as one of the primary destinations for Afghan migrants, these policies have intricately influenced urban living patterns, employment, social services, and cultural stability in various regions. The significant presence of Afghan migrants in Iranian cities has not only posed challenges in areas such as housing, education, and healthcare but has also opened up opportunities for economic growth and cultural exchange. Against this backdrop, the central question arises: What are the social and economic (urban) policies of the Islamic Republic toward Afghan migration to Iran, and what impacts have they had? this study adopts a descriptive-analytical method, revealing that the social and economic (urban) policies of the Islamic Republic regarding Afghan migration address various aspects that affect the migration process and the living conditions of the Afghan community in Iran. These policies, while facilitating certain areas like educational and healthcare access, have imposed restrictions in other areas, negatively affecting the social and economic integration of migrants. The impacts of these policies include enhanced cultural and economic interaction between the two nations, alongside social challenges such as strain on the host country's resources and the necessity for strategic migration management policies.

Keywords: Social Policy, Economic Policy, Migration, Afghanistan, Islamic Republic of Iran

سیاست های شهری ایران در مدیریت مهاجرت افغان ها: اثرات اجتماعی - اقتصادی بر توسعه منطقه ای

پوریا شایگان نیا

(دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران)

علی بیژنی

(استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

حسین مجتبی زاده

(استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه جغرافیای سیاسی، تهران، ایران)

چکیده

سیاست های شهری ایران در مدیریت مهاجرت افغان ها نقشی کلیدی در تعیین پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بر توسعه منطقه ای داشته است. با توجه به جایگاه جغرافیایی ایران به عنوان یکی از مقاصد اصلی مهاجرت افغان ها، این سیاست ها به شیوه ای پیچیده بر الگوهای زیست شهری، اشتغال، خدمات اجتماعی و ثبات فرهنگی مناطق تأثیر گذاشته اند. حضور گسترده مهاجران افغان در شهرهای مختلف ایران نه تنها چالش هایی در حوزه تأمین مسکن، آموزش و بهداشت ایجاد کرده، بلکه فرصت هایی نیز برای رشد اقتصادی و تعاملات فرهنگی فراهم آورده است. بر همین مبنا سوال این است که سیاست های اجتماعی و اقتصادی (شهری) جمهوری اسلامی نسبت به مهاجرت افغان ها به ایران چیست و دارای چه اثراتی بوده است؟ روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است و یافته نشان دهنده آن است که سیاست های اجتماعی و اقتصادی (شهری) جمهوری اسلامی در قبال مهاجرت افغان ها به ایران شامل جنبه های مختلفی می شود که بر روند مهاجرت و زندگی جامعه افغان در ایران تأثیر گذاشته است. این سیاست ها در برخی موارد تسهیل کننده بوده، مانند فراهم کردن امکانات آموزشی و بهداشتی، اما در برخی مواقع با محدودیت هایی همراه شده است که بر ادغام اجتماعی و اقتصادی مهاجران تأثیر منفی داشته است. اثرات این سیاست ها، شامل افزایش تعامل فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور، اما همچنین چالش های اجتماعی مانند فشار بر منابع کشور میزبان و نیاز به سیاست های راهبردی مدیریت مهاجرت بوده است.

کلیدواژه ها: سیاست اجتماعی، سیاست اقتصادی، مهاجرت، افغانستان، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقدمه

در طول سال‌های گذشته، افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در افغانستان باعث شده است که بسیاری از افغان‌ها به دنبال زندگی بهتر و امن‌تر به ایران سفر کنند. ایران نیز با توجه به سیاست‌های مهاجرتی و هم‌جواری فرهنگی، میزبان تعداد زیادی از مهاجران افغان بوده و برای آن دسته از این افراد که به دنبال کار یا تحصیل هستند، فرصت‌هایی فراهم کرده است (Alaaldini, 2021: 12). سیاست‌های اجتماعی جمهوری اسلامی نسبت به مهاجرت افغان‌ها طی سال‌ها تغییراتی داشته است که به دنبال تنظیم مناسب شرایط مهاجران و کنترل جمعیت مهاجران بوده است. در ابتدا، پذیرش افغان‌ها به‌طور گسترده صورت گرفت، اما با گذشت زمان و افزایش تعداد مهاجران، سیاست‌ها سختگیرانه‌تر شدند. دولت ایران تلاش دارد تا با برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد شرایط مناسب برای زندگی مهاجران، از بروز مشکلات اجتماعی جلوگیری کند. این امر شامل فراهم نمودن مسیرهای قانونی برای اقامت و کار، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی، و همچنین حفظ امنیت و ثبات اجتماعی برای جمعیت مهاجر می‌شود (Mohammadi, 2021: 52). از طرف دیگر، سیاست‌های اقتصادی نسبت به مهاجرت افغان‌ها نیز بر جنبه‌های مختلف جامعه ایران تأثیرگذار بوده است. حضور گسترده افغان‌ها در بازار کار ایران باعث شده تا برخی مشاغل به‌خصوص در صنایع ساختمانی و کشاورزی وابسته به نیروی کار مهاجر شود. هرچند این موضوع از یک سو موجب کمک به رونق اقتصادی شده است، اما از سوی دیگر مشکلاتی نظیر کاهش فرصت‌های شغلی برای نیروی کار داخلی و فشار بر منابع اقتصادی و زیرساخت‌های کشور را به دنبال داشته است.

اثرات این نوع از مهاجرت به ایران دارای ابعاد متعددی بوده و تأثیرات مختلفی بر جامعه ایران گذاشته است. از جنبه فرهنگی، حضور مهاجران افغان به ایجاد تعاملات میان دو جامعه ایرانی و افغان منجر شده است. این تعاملات، ضمن اینکه می‌توانند به ارتقاء تفاهم و درک متقابل بین فرهنگ‌ها کمک کنند، در برخی موارد موجب بروز تنش‌ها و اختلافات اجتماعی نیز می‌شوند. از دیدگاه اجتماعی، حضور جامعه‌ای از مهاجران در ایران که تعدادشان کم هم نیست، تأثیر قابل توجهی بر ساختار اجتماعی کشور داشته است (Jalali Mehr, 2022: 31). مدیریت صحیح این وضعیت برای اطمینان از برخورداری همه افراد از حقوق اساسی‌شان و حفظ امنیت و آرامش عمومی بسیار ضروری است. علاوه بر این، این تحولات به بازتعریف مفاهیمی همچون تنوع فرهنگی و همزیستی مسالمت‌آمیز کمک می‌کنند و می‌بایست با سیاست‌گذاری‌های جامع و آینده‌نگرانه به آن‌ها پرداخته شود؛ مقاله حاضر از مباحث بنیادی و تحلیلی در حوزه مباحث سیاست‌های مهاجرتی است که نتایج و پیامدهای عملی و عینی به همراه خواهد داشت. بر این مبنا روش کار توصیفی - تحلیلی است بدین معنا که ابتدا به توصیف مهاجرت افغان‌ها پرداخته و سپس به سیاست‌های شهری در بعد اجتماعی و

اقتصادی جمهوری اسلامی نسبت به مهاجرت افغان‌ها به ایران و اثرات آن پرداخته خواهد شد؛ روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. بر همین مبنا در مقاله حاضر سعی بر آن است تا به این سوال جواب داده شود که سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی (شهری) جمهوری اسلامی نسبت به مهاجرت افغان‌ها به ایران چیست و دارای چه اثراتی بوده است؟

۲. چارچوب نظری

ایران از دیرباز به عنوان یکی از مقاصد مهم مهاجران افغان شناخته شده است. مهاجرت افغان‌ها به ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند جنگ و ناآرامی‌های داخلی در افغانستان صورت گرفته است. سیاست‌های مهاجرتی ایران در مورد این گروه از مهاجران، بر اساس مجموعه‌ای از اصول و مبانی نظری شکل گرفته‌اند که به بررسی و تحلیل دقیق آنها نیاز دارد. این سیاست‌ها شامل مواردی همچون فراهم‌سازی شرایط اولیه زندگی، دسترسی به خدمات پایه‌ای مانند آموزش و بهداشت، و همچنین تعیین شرایط قانونی برای اقامت و فعالیت مهاجران می‌شوند.

برخی از مبانی نظری که بر سیاست‌های مهاجرتی ایران تأثیر گذاشته‌اند، شامل امنیت ملی^۱، مسائل اقتصادی، وجوه انسانی و اجتماعی مهاجرت، و روابط دوجانبه بین دو کشور است. تلاش برای حفظ امنیت ملی و جلوگیری از ورود غیرقانونی مهاجران، همواره یکی از اولویت‌های سیاست‌های مهاجرتی بوده است. در عین حال، مهاجران افغان با ارائه نیروی کار ارزان و مشارکت در بخش‌های مختلف اقتصادی، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد ایران دارند (Hatami, 2024: 71). نکته قابل توجه دیگری در این حوزه، جنبه انسانی و اجتماعی مهاجرت است. ایران همواره تلاش کرده تا به نیازها و مشکلات مهاجران افغان پاسخ داده و امکانات لازم را برای یک زندگی مناسب فراهم کند. این تلاش‌ها شامل اقداماتی برای ادغام اجتماعی مهاجران و ایجاد پل‌های فرهنگی بین دو ملت نیز می‌شود.

بر مبنای نظریه هویت اسلامی و مسئولیت اخلاقی در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به بررسی جوانب مختلف هویت شیعی و رهبری اسلامی پرداخت که نقش اساسی در شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی این کشور ایفا می‌کنند. این سیاست‌ها بر مبنای مفاهیمی شکل گرفته‌اند که عمیقاً در آموزه‌های دینی و گفتمان انقلاب اسلامی ریشه دارند. از جمله این مفاهیم می‌توان به اخوت اسلامی، که بر اهمیت وحدت میان مسلمانان تأکید دارد، و حمایت از مستضعفان، به

¹ - National Security

ویژه حمایت از همکیشان اشاره کرد (Mehrabi, 2018: 62). چنین رویکردی منابع الهام‌بخش خود را از آموزه‌های دین مبین اسلام و نیز تجربه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران می‌گیرد.

از منظر شرعی، یکی از نقاط برجسته این دیدگاه را می‌توان در فتوای امام خمینی در دهه ۱۳۶۰ یافت که با تأکید بر لزوم میزبانی از مهاجران افغان به عنوان «برادران مسلمان» به وضوح این رویکرد را نشان داده است. این فتوا نه تنها اهمیت برادری میان مسلمانان را برجسته کرد، بلکه آن را به عنوان یک وظیفه شرعی برای جامعه اسلامی مشخص نمود. علاوه بر این، تأثیرات تاریخی نیز نقشی مهم در این رویکرد دارند (Karimi, 2024: 72). برای مثال، ماجرای پناهندگی امام رضا (ع) در ایران و تأثیر این رویداد بر فرهنگ پذیرش و مهمان نوازی ایرانیان غیرقابل انکار است. مهاجرت امام هشتم شیعیان به ایران به گونه‌ای الگوی تاریخی برای پذیرش پناهندگان و احترام به آنان تبدیل شده است که تا امروز در فرهنگ سیاسی و اجتماعی کشور بازتاب دارد. این مثال‌ها نشان‌دهنده این هستند که چگونه تاریخ و مذهب به طور پیوسته در شکل‌دهی دیدگاه ایرانیان نسبت به پذیرش و حمایت از دیگران، به ویژه مسلمانان، نقش داشته‌اند.

از سویی دیگر نظریه بازار کار دوگانه؛ به توضیح این مسأله مهم در اقتصادهای پیشرفته می‌پردازد که چگونه این اقتصادها برای تداوم رشد و حفظ رقابت‌پذیری خود به شدت وابسته به نیروی کار ارزان‌قیمت هستند. این نیروها اغلب برای انجام مشاغل طاقت‌فرسا، کم‌درآمد و غیررسمی به کار گرفته می‌شوند، که معمولاً شهروندان خود آن کشور تمایلی به پذیرش آنها ندارند (Shaterian, 2015: 88-89). در این میان، کشور ایران نیز روند مشابهی را تجربه کرده است، به‌ویژه در بخش‌هایی نظیر کشاورزی، ساخت‌وساز، و خدمات شهری. مهاجران افغان به عنوان نیروی کاری انعطاف‌پذیر و با هزینه کمتری در ایران، نقشی اساسی در پر کردن شکاف‌های بازار کار ایفا کرده‌اند. به عنوان مثال، در سال‌هایی که صنعت ساخت‌وساز در ایران رشد قابل توجهی داشت، همچون دهه ۱۳۸۰، سیاست‌های کشور برای جذب بیشتر نیروی کار افغان بسیار تسهیل شد. با این حال، در دوره‌هایی که اقتصاد ایران با رکود مواجه گردید، مانند دوره پس از اعمال تحریم‌ها، شاهد افزایش محدودیت‌هایی برای اخراج و اقامت این نیروها بودیم. این تغییرات در سیاست‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های مدیریتی در پذیرش و استفاده از نیروی کار مهاجر در اقتصادهای وابسته به این منابع انسانی است. (Baghban, 2023: 4)

از طرفی دیگر بر مبنای نظریه انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی، رشد جمعیت مهاجر افغان در ایران، به ویژه در سال‌های اخیر، مسئله‌ای پیچیده و چندبعدی در زمینه انسجام اجتماعی و تنوع فرهنگی پدید آورده است. حضور میلیون‌ها نفر از این جامعه در کشور چالش‌هایی را برای یکپارچگی هویتی به نمایش گذاشته و دولت ایران را بر آن داشته تا با اتخاذ سیاست‌های گوناگون تلاش کند از بروز و تشدید تنش‌های قومی جلوگیری نماید. این اقدامات شامل سیاست‌های ادغام

محدودی مانند فراهم کردن امکان دسترسی به خدمات آموزش و بهداشت برای مهاجران است که با هدف کاهش تضادهای فرهنگی و اجتماعی انجام می‌شود. با این وجود، همزمان دولت با اجرای محدودیت‌های فرهنگی خاص مانند ممنوعیت استفاده از زبان‌های محلی در سیستم آموزشی، بر هویت ملی ایرانی و مذهبی شیعی تأکید بیشتری می‌کند. چنین رویکردی می‌تواند به تقویت احساس تعلق به کشور در بین جامعه ایرانی منجر شود، اما شاید باعث شود بخشی از مهاجران احساس بیگانگی یا عدم پذیرش کنند (Mousavi, 2024: 99). به عنوان نمونه‌ای مشخص، از سال ۱۳۹۵ کودکان افغان اجازه یافتند به شکل رسمی وارد سیستم آموزشی ایران شوند، این اقدامی مثبت در جهت فراگیری فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. اما علیرغم این پیشرفت قابل ملاحظه، بسیاری از تبعیض‌ها، به‌ویژه در زمینه دسترسی به فرصت‌های شغلی و اجتماعی برای مهاجرین افغان همچنان پابرجاست. این مسئله نشان می‌دهد که به رغم تلاش‌ها برای تقویت همبستگی اجتماعی، هنوز موانع بسیاری بر سر راه یکپارچگی کامل اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که نیازمند توجه و سیاست‌گذاری‌های جامع‌تری است.

۳. یافته‌های تحقیق

بررسی سیاست‌های شهری و اثرات مهاجرت افغان‌ها به ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را می‌توان از دیدگاه‌های مختلفی مانند اجتماعی، اقتصادی انجام داد. این موضوع طی دهه‌های گذشته همواره تحت تأثیر تغییرات در افغانستان بوده، مانند تهاجم شوروی، جنگ‌های داخلی، حاکمیت طالبان و بازگشت دوباره آنان در سال ۲۰۲۱؛ همچنین نیازها و محدودیت‌های داخلی ایران نیز در شکل‌گیری این وضعیت نقشی اساسی داشته‌اند. در ادامه به نکات اصلی پرداخته می‌شود:

۳-۱- سیاست‌های کلیدی جمهوری اسلامی ایران نسبت به مهاجران افغان

الف) سیاست‌های اقتصادی: سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در طول سال‌ها، تحت تأثیر عوامل متعددی بوده‌اند که به شکل‌گیری و جهت‌دهی به این سیاست‌ها کمک کرده‌اند. یکی از جنبه‌های کلیدی این سیاست‌ها، تأمین نیروی کار ارزان برای بخش‌های مختلف اقتصادی است. پس از جنگ ایران و عراق، کشور با کمبود نیروی کار مواجه شد، به‌ویژه در بخش‌هایی که به کار جسمانی شدید نیاز داشتند، مانند ساخت‌وساز، کشاورزی و صنایع سنگین (Bahmani, 2023: 5). در مواجهه با این چالش‌ها، ایران به صورت رسمی و غیررسمی از نیروی کار افغان استقبال نمود تا نیازهای روزافزون خود را برآورده کند. در پی این استقبال، ایران تلاش‌هایی در جهت سازماندهی و قانونی‌سازی حضور

این مهاجران انجام داد. ارائه «کارت اقامت موقت» یا همان کارت آمایش یکی از این اقدامات بود که به موجب آن مهاجران به‌طور رسمی ثبت شده و دسترسی محدودی به برخی مشاغل خاص پیدا کردند. با این وجود، همچنان بسیاری از افغان‌ها به‌صورت غیرقانونی و در شرایطی بدون حمایت‌های لازم مشغول به کار هستند، که این مسئله نشان‌دهنده چالش‌های موجود در سیستم‌های نظارتی و حمایتی است.

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز تأثیر قابل‌توجهی بر اقتصاد کشور گذاشته‌اند. این تحریم‌ها فشار زیادی بر اقتصاد وارد کرده‌اند، به‌طوری‌که توانایی کشور در جذب و پذیرش مهاجران را کاهش داده‌اند. اثرات مشترک تحریم‌ها با دیگر مشکلات داخلی باعث شده‌اند که کشور نه‌تنها در جذب نیروی کار خارجی بلکه در حفظ تعادل اقتصادی خود نیز دچار مشکل شود. این مسائل نشان‌دهنده پیچیدگی سیاست‌های اقتصادی ایران و اثرات متقابل آن بر نیروی کار داخلی و خارجی است.

ب) سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی: سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی ایران در زمینه آموزش و خدمات بهداشتی شاهد تغییرات قابل‌توجهی بوده است. تحصیل کودکان افغان در ایران، حتی بدون مدارک قانونی، یکی از تحولات مثبت در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. امکان ثبت‌نام این دانش‌آموزان در مدارس و دانشگاه‌ها فراهم شده است، هرچند که گاهی با محدودیت‌هایی مانند تفکیک مدارس یا سهمیه‌بندی روبه‌رو می‌شود. در حوزه بهداشت نیز، افغان‌ها قادر به دسترسی به خدمات اولیه درمانی هستند، حتی اگر مدارک قانونی نداشته باشند. این سیاست در زمان همه‌گیری کووید-۱۹ توسعه یافت و توانست پوشش بیشتری ایجاد کند (Mousavi, 2024: 116). با این حال، مسئله ادغام اجتماعی افغان‌ها در جامعه ایرانی دارای چشم‌انداز پیچیده‌ای است. از یک طرف، برخی سیاست‌ها به ادغام اجتماعی از طریق زمینه‌سازی برای ازدواج‌های مختلط کمک می‌کنند. اما از طرف دیگر، گفتمان‌های ضدافغان در رسانه‌ها و جامعه به نیروهایی برای تقویت تفکیک فرهنگی تبدیل شده‌اند. این دوگانگی نشان‌دهنده چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روند اجتماعی شدن و همزیستی مسالمت‌آمیز است.

ج) سیاست‌های امنیتی و حقوقی: سیاست امنیتی و حقوقی ایران شامل مجموعه‌ای از اقدامات متنوع مانند برگرداندن مهاجران فاقد مدرک به افغانستان، که این اقدام در دوره‌های مختلف صورت گرفته و با انتقاد نهادهای حقوق بشری مواجه شده است. از تدابیر مرزی نیز می‌توان به ساخت دیوار در مرزهای شرقی ایران و افزایش کنترل‌ها برای محدود کردن ورود غیرقانونی اشاره کرد. همچنین، ایران تاکنون به کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱ نیوسته است و به همین دلیل رفتار با پناهندگان تحت قوانین داخلی و جهت‌گیری‌های سیاسی کشور تعیین می‌شود. (Davoodi, 2024: 93)

۳-۲- اثرات مهاجرت افغان ها بر ایران

الف) اثرات اقتصادی: وضوح آثار اقتصادی حضور افغان‌ها در ایران می‌تواند به‌طور دقیق‌تر و جامع‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا تصویر کاملی از تأثیرات مثبت و منفی این امر ارائه شود. در زمینه تقویت بخش‌های کم‌بازده اقتصادی، نیروی کار ارزان‌قیمت افغان‌ها نقش بسزایی ایفا کرده است. به ویژه در بخش‌هایی مانند کشاورزی و ساختمان که نیازمند نیروی کار زیاد و هزینه پایین هستند، حضور فعال و گسترده افغان‌ها به رشد اقتصادی این بخش‌ها کمک شایانی کرده است. این نیروی کار به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا با هزینه‌های کمتری تولید کنند و بهره‌وری بیشتری داشته باشند. همچنین، افزایش جمعیت ناشی از حضور تقریباً ۳ تا ۴ میلیون مهاجر افغان باعث فشار بر منابع عمومی کشور شده است (Baghban, 2023: 8). سیستم‌های آموزش، بهداشت و برنامه‌های یارانه‌ای مجبورند با تقاضای فزاینده مواجه شوند که این امر می‌تواند به کاهش کیفیت خدمات و افزایش میزان هزینه‌های عمومی منجر شود. از سوی دیگر، یکی از پدیده‌های اقتصادی مهم در این زمینه انتقال وجوه است. افغان‌های مقیم ایران سالانه میلیون‌ها دلار از درآمد خود را به کشور مبدأ خود، افغانستان، ارسال می‌کنند. اگرچه این مسئله ممکن است ظاهراً باعث خروج مقداری از درآمد از ایران شود، اما از منظر انسانی و بین‌المللی، این امر کمک بزرگی به اقتصاد افغانستان و معیشت خانواده‌ها در آن کشور است (Jalali Mehr, 2022: 52). بنابراین می‌توان گفت که هرچند این انتقالات نقدی به‌طور مستقیم به اقتصاد ایران آسیب نمی‌رساند، اما نقش تعیین‌کننده‌ای را در پایداری اقتصاد کشور همسایه ایفا می‌کند. به این ترتیب، حضور افغان‌ها در ایران همزمان دارای ابعاد مثبت و چالش‌برانگیزی است که نیازمند مدیریت و سیاست‌گذاری دقیق جهت بهره‌وری بهتر از فرصت‌ها و کاهش تأثیرات منفی آن‌هاست.

ب) اثرات اجتماعی: ثرات اجتماعی حضور افغان‌ها در ایران را می‌توان از جنبه‌های مختلف فرهنگی، هویتی و جمعیتی بررسی کرد. در حوزه گسترش چندفرهنگی، تعاملات فرهنگی میان ایرانیان و افغان‌ها به وضوح قابل مشاهده است. حضور گسترده افغان‌ها در ایران، موجب تعاملات مثبت زبانی و فرهنگی شده و تأثیر عمیقی بر افزایش پیوندهای مشترک، به‌ویژه در چارچوب زبان فارسی و اشتراکات مذهبی دو ملت داشته است. این عوامل سبب تقویت زمینه‌های ارتباطی و همزیستی مسالمت‌آمیز میان دو جامعه شده‌اند. با این حال، چالش‌هایی در زمینه هویت اجتماعی افغان‌ها نیز وجود داشته است. دیدگاه‌های منفی، که بعضاً آنان را به عنوان «منبع جرم» یا «رقبای شغلی» معرفی می‌کند، در گفتمان عمومی رایج بوده و متأسفانه به شکل‌گیری تبعیض ساختاری علیه این گروه منجر شده است (Karimi, 2024: 73-74). این نگاه‌ها،

علاوه بر ایجاد فاصله اجتماعی، روند ادغام فرهنگی و اجتماعی را نیز کندتر کرده و موانعی بر سر راه همگرایی به وجود آورده‌اند.

در بعد جمعیتی، حضور افغان‌ها به‌ویژه در مناطق مرزی مانند خراسان، ترکیب جمعیتی را تحت تأثیر قرار داده است. این تغییرات جمعیتی نه‌تنها در قالب افزایش جمعیت مهاجران مشاهده می‌شود، بلکه ازدواج‌های میان‌قومی نیز یکی دیگر از پیامدهای این همزیستی مرزی بوده که از منظر جامعه‌شناختی شایان توجه است. چنین ویژگی‌هایی علاوه بر تأثیرات اجتماعی، فرصت‌هایی نیز برای تقویت نزدیکی میان دو ملت فراهم کرده است (Alaaldini, 2021: 19). بنابراین، حضور افغان‌ها در ایران دارای اثرات پیچیده‌ای است که در برخی جنبه‌ها فرصت‌هایی برای غنی‌سازی فرهنگی و اجتماعی ایجاد کرده و در برخی دیگر چالش‌هایی خاص به همراه داشته است که نیازمند توجه جدی برای رفع و بهبود شرایط موجود است.

ج) اثرات سیاسی - امنیتی: در زمینه اثرات سیاسی و امنیتی ناشی از حضور گسترده افغان‌ها در کشور، ایران از این وضعیت به عنوان یک اهرم مهم برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر روند تحولات داخلی افغانستان بهره‌برداری کرده است. این استفاده استراتژیک باعث شده است تا ایران بتواند در تحولات پیچیده و پراهمیت همسایه شرقی خود نقش فعالی ایفا کند و در مواردی با ایجاد تغییراتی در سیاست‌های طالبان به سمت اهداف مدنظر خود حرکت کند. از سوی دیگر، نگرانی‌های قابل توجهی نیز در ارتباط با نفوذ و فعالیت‌های افراطی برخی گروه‌ها وجود دارد (Davoodi, 2024: 101). تهران به‌طور مداوم نگران آن است که ورود غیرقانونی مهاجران افغان به خاک ایران، بستر مناسبی برای رشد و گسترش فعالیت گروه‌های تندرو فراهم کند. این نگرانی به واسطه تجارب گذشته از فعالیت‌های گروه‌های افراطی در منطقه تقویت شده و مسئولان را بیش از پیش به اتخاذ تدابیر امنیتی دقیق ترغیب کرده است تا بتوانند از پتانسیل تهدیدهای احتمالی پیشگیری کنند (Bahmani Gilavandani, 2023: 10). این موضوعات جایگاه مهمی در سیاست خارجی و داخلی ایران یافته‌اند و بررسی دقیق آن‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و چالش‌های موجود در روابط کشور با افغانستان است. توانایی ایران در حفظ تعادل میان استفاده از این اهرم فشار و مدیریت تهدیدهای ناشی از آن، نقشی کلیدی در تأمین امنیت و ثبات منطقه‌ای ایفا می‌کند.

۳-۳- تحولات کشور افغانستان پس از تسلط طالبان به این کشور

تحولات اخیر مرتبط با تحولات سیاسی افغانستان، به ویژه پس از تسلط طالبان در سال ۲۰۲۱، منجر به ظهور موج جدیدی از پناهندگان شده است که به سمت کشورهای همسایه، از جمله ایران، روانه می‌شوند. این موج شامل گروه‌های مختلفی از مردم افغانستان است که به دلیل تغییرات ناگهانی در ساختار قدرت و امنیت کشورشان، چاره‌ای جز ترک خانه و کاشانه خود نمی‌بینند. در میان این افراد، تعداد زیادی از زنان، اقلیت‌های مذهبی و قومی، و همچنین اعضای نیروهای سابق دولتی مشاهده می‌شود که هر یک به دلایل خاص خود به ایران پناه آورده‌اند (Karimi, 2024: 109).

در پاسخ به این بحران انسانی، ایران سیاست‌های متنوعی را در پیش گرفته است. از یک سو، این کشور اقدامات خود را برای کنترل مرزها تشدید کرده تا از ورود غیرقانونی و بی‌رویه افراد جلوگیری کند. از سوی دیگر، با برخی از گروه‌های خاص از جمله شیعیان هزاره، که به دلیل شرایط سیاسی مذهبی ویژه خود با مخاطرات بیشتری روبرو هستند، برخوردی انسانی‌تر داشته و امکان اسکان موقت را فراهم آورده است. این رفتار متناقض نشان دهنده یک سیاست سختگیرانه و در عین حال انعطاف‌پذیر است که سعی دارد تعادلی میان امنیت ملی و مسئولیت‌های انسانی برقرار نماید. همچنین در زمینه دیپلماسی مهاجرتی، ایران با دولت جدید طالبان وارد مذاکراتی شده است. هدف این مذاکرات دستیابی به یک رویکرد مشترک در مدیریت مسائل مرزی و یافتن راه‌حلی برای بازگرداندن امن پناهجویان به کشورشان بدون تهدید بر زندگی یا آزادی آنهاست. پیمودن این مسیر پیچیده نیازمند همکاری بین‌المللی و اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت است که ضمن احترام به حقوق انسانی پناهجویان، نگرانی‌های امنیتی کشورهای پذیرنده را نیز مد نظر قرار دهد.

۳-۴- سناریو های سیاستی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجرین افغان

ایران، به عنوان یکی از کشورهای اصلی که میزبان مهاجران افغان است، در طول چند دهه گذشته با توجه به تغییرات و تحولات متعددی که در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی در کشور همسایه افغانستان و همچنین در سطح منطقه و فراتر از آن رخ داده است، سیاست‌های مختلفی را برای مدیریت و نظارت بر این جمعیت پیاده‌سازی کرده است. این سیاست‌ها که تأثیر عمیقی بر زندگی میلیون‌ها مهاجر در ایران دارند، نشأت گرفته از مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی هستند. از جمله عوامل داخلی می‌توان به چالش‌های اقتصادی که کشور با آن مواجه است اشاره کرد، مانند نرخ بالای تورم و بیکاری که فشار بیشتری بر منابع محدود اقتصادی وارد می‌آورند و همچنین فضای اجتماعی که در آن نگرش عمومی نسبت به مهاجران تحت تأثیر مسائل فرهنگی و اجتماعی پیچیده قرار دارد. به علاوه، ملاحظات امنیتی ناشی از نگرانی‌های بالقوه مرتبط با جریان‌های مهاجران نیز بخشی از ملاحظات داخلی به حساب می‌آیند. در سطح خارجی، روابط

ایران با حکومت‌های مختلف افغانستان و تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر کشور، جنبه‌های مهم دیگری از این زمینه را تشکیل می‌دهند. تعاملات سیاسی و دیپلماتیک بین ایران و افغانستان در کنار تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌شود، نه تنها بر توانایی ایران برای پذیرش و حمایت از مهاجران تأثیرگذار بوده است، بلکه سیاست‌هایی که تهران اتخاذ می‌کند را نیز به شدت تحت الشعاع قرار داده است.

با توجه به این پیچیدگی‌ها، ایران مجموعه‌ای از سناریوهای متنوع سیاستی را بررسی کرده و آنها را مطابق با شرایط در حال تغییر تنظیم کرده است. این سناریوها شامل راه‌هایی برای تسهیل شرایط اقامت مهاجران، انتظارات از نهادهای بین‌المللی برای کمک به مدیریت این بحران، و هماهنگی نزدیکی با نهادهای دولتی در افغانستان برای ایجاد شرایط پایدار جهت بازگشت داوطلبانه مهاجران می‌باشد. در ادامه، بحث مفصل‌تری درباره سناریوهای محتمل و موجود سیاستی ایران صورت خواهد گرفت تا ابعاد مختلف این موضوع مورد تحلیل قرار گیرد:

الف) تشدید کنترل مرزها و محدودیتهای ورود: تشدید کنترل مرزها و محدودیت‌های ورود به کشور اخیراً به دلیل نگرانی‌ها از افزایش مهاجرت پس از روی کار آمدن طالبان در افغانستان در سال ۲۰۲۱، به اجرا درآمده است. این محدودیت‌ها عمدتاً با هدف جلوگیری از ورود افراد مرتبط با گروه‌های افراطی یا قاچاقچیان مواد مخدر صورت گرفته است. اقداماتی که در این راستا انجام شده شامل ساخت دیوار مرزی در شرق، افزایش گشت‌های نظامی و استفاده از فناوری‌های نظارتی است. همچنین، اعمال سهمیه‌بندی برای ورود مهاجران دارای مجوز نظیر ویزای کار نیز بخشی از این تلاش‌هاست. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله افزایش مهاجرت غیرقانونی و گسترش شبکه‌های قاچاق انسان که همچنان به عنوان موارد مهم نیازمند توجه باقی مانده‌اند.

ب) همکاری با طالبان برای بازگشت داوطلبانه: همکاری با طالبان در راستای بازگشت داوطلبانه مهاجران که شامل مجموعه‌ای از تدابیر و چالش‌ها می‌شود، بسیار مهم است. در این چارچوب، اقداماتی نظیر برگزاری نشست‌های سه‌جانبه میان ایران، افغانستان و کشورهای همسایه نقش کلیدی دارند. همچنین تأسیس مراکز بازگشت داوطلبانه در شهرهای مشهد و زاهدان از جمله تدابیری است که ایران در نظر دارد تا بازگشت مهاجران به کشورشان به شکل سازمان‌یافته‌تر و امن‌تر ممکن شود. با این حال، یکی از چالش‌های اساسی در این مسیر، عدم تضمین امنیت کامل برای افرادی است که به افغانستان بازمی‌گردند. این موضوع سبب نگرانی‌هایی میان مهاجران و دولت‌های درگیر در فرآیند بازگشت شده و نیازمند تلاش‌های بیشتر برای رفع این مشکل است.

ج) ارسال کمک های انسان دوستانه به افغانستان: ارائه کمک های انسان دوستانه به افغانستان، با هدف کاهش فشار مهاجرت از طریق بهبود شرایط زندگی در مبدأ، موضوع مهمی است که نیازمند تحلیل جامع و روانی می باشد. انگیزه اصلی این اقدام تلاش برای کاهش موج مهاجرت از افغانستان به کشورهای همسایه، خصوصاً ایران، از طریق ایجاد شرایط مساعدتر در داخل این کشور است. به این منظور، ارسال محموله های غذایی و پزشکی از طریق سازمان های خیریه مانند هلال احمر یکی از اقداماتی است که در حال انجام است. همچنین مشارکت در پروژه های بازسازی افغانستان می تواند نقش مهمی در تثبیت شرایط بازی کند، هرچند که اجرای این پروژه ها معمولاً با شرط کاهش مهاجرت همراه می باشد. با این حال، کمبود منابع مالی ایران به دلیل تحریم ها محدودیت های قابل توجهی برای کمک رسانی ایجاد کرده و تلاش ها را محدود ساخته است. بنابراین، همکاری بین المللی و حمایت سازمان های جهانی می تواند در رفع برخی از این محدودیت ها مؤثر باشد.

۴. نتیجه گیری

سیاست های شهری ایران در مدیریت مهاجرت افغان ها نقش مهمی در شکل دهی به اثرات اجتماعی و اقتصادی داشته است که می تواند بر توسعه منطقه ای تأثیرگذار باشد. اتخاذ رویکردهای هدفمند و منسجم در مدیریت این مهاجرت ها، به کاهش چالش های اجتماعی مانند تبعیض و نابرابری کمک کرده و شرایطی را فراهم آورده که مشارکت اقتصادی مهاجران در مناطق میزبان تقویت شود. این مشارکت اقتصادی، علاوه بر ارتقای بهره وری محلی، می تواند زمینه ساز ایجاد پیوندهای اجتماعی قوی تر بین جامعه میزبان و مهاجران باشد. از سوی دیگر، سیاست های محدودکننده یا ناکارآمد ممکن است منجر به افزایش فشار بر زیرساخت های شهری، کاهش کیفیت زندگی، و بروز تنش های اجتماعی شوند که می تواند توسعه منطقه ای را تحت تأثیر قرار دهد.

طی چهار دهه اخیر، این سیاست ها تحت تأثیر عواملی مانند اقتصاد، امنیت و جمعیت در داخل کشور و همچنین تحولات افغانستان و فشارهای بین المللی در خارج شکل گرفته اند؛ و در طی زمان دچار تغییراتی شده اند. در مقوله سیاست های اجتماعی، باید گفت که ایران با وجود محدودیت های قوانین موجود، تلاش کرده است تا دسترسی نسبی مهاجران به خدمات مختلف از جمله آموزشی، بهداشتی و مذهبی را فراهم آورد. این سیاست ها به طور قابل توجهی در ارتقای سطح سواد و بهبود سلامت عمومی جامعه افغان تأثیر داشته اند. با این حال، همچنان چالش هایی نظیر تبعیض ساختاری، موانع متعددی برای ثبت نام دانش آموزان بدون مدارک کامل، و محدودیت های بر سر راه اشتغال رسمی مهاجران وجود دارد که

نیازمند توجه بیشتر هستند. علاوه بر این، سیاست‌هایی که به نوعی مانع یکپارچگی اجتماعی می‌شوند، مانند ممنوعیت مالکیت زمین و محدودیت‌های اشتغال در برخی مشاغل، باعث ایجاد گتوهای شهری و کاهش تعاملات پایدار اجتماعی میان جمعیت‌های مختلف شده‌اند. این مسائل نقش مهمی در محدود کردن فرصت‌های ادغام و پیشرفت مهاجران دارند و نیازمند بازنگری استراتژیک در سیاست‌های موجود هستند تا به سمت دستیابی به یک جامعه فراگیر و همبسته حرکت شود.

از سویی دیگر سیاست‌های اقتصادی در ایران طی دهه‌های اخیر تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته که یکی از مهم‌ترین این عوامل، حضور گسترده نیروی کار افغان بوده است. نیروی کار افغان به دلیل هزینه پایین‌تر و قابلیت اشتغال در مشاغل دشوار و کم‌مهارت، به عنوان یک موتور محرک در بخش‌های مختلف اقتصادی ایران از جمله صنعت ساختمان، کشاورزی، و خدمات شهری نقش‌آفرینی کرده است. این نیروی کار به ویژه در پر کردن شکاف ناشی از کاهش جمعیت فعال و جنگ ایران و عراق مؤثر بوده است. با این حال، حضور گسترده افغان‌ها در بازار کار غیررسمی که نزدیک به ۸۰ درصد فعالیت‌های آنها را شامل می‌شود، تبعات خاص خود را به دنبال داشته است.

یکی از چالش‌های اصلی، کاهش دستمزد کارگران ایرانی است که خود از مهم‌ترین عواملی است که به تشدید رقابت بر سر مشاغل کم‌مهارت و کاهش فرصت‌های شغلی منجر شده است. این شرایط در برخی دوره‌ها و مناطق موجب بروز تنش‌های اجتماعی و نارضایتی‌هایی میان کارگران محلی و مهاجران شده که مدیریت و کاهش آنها نیازمند سیاستگذاری‌های هوشمندانه و برنامه‌ریزی بلندمدت دولتی می‌باشد. تحلیل این وضعیت نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی جامع برای ادغام بهتر نیروی کار افغان ضروری است تا ضمن ایجاد تعادل در بازار کار، از وقوع تنش‌های اجتماعی جلوگیری شود و بهره‌وری اقتصادی افزایش یابد.

نهایتاً با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، روشن است که مهاجرت افغان‌ها به ایران تأثیرات پیچیده و چندلایه‌ای بر سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی کشور داشته است. از جمله این تأثیرات، می‌توان به تغییرات در بازار کار، افزایش تقاضا برای خدمات آموزشی و بهداشتی، و نوسانات در قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی اشاره کرد. برای بهره‌گیری بهینه از این وضعیت و کاهش مشکلات احتمالی، پیشنهاد می‌شود دولت ایران سیاست‌هایی جامع و منظم را در راستای مدیریت بهتر مهاجرت اتخاذ کند. این سیاست‌ها باید هم به نیازهای مهاجران و هم به اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران توجه کنند، به گونه‌ای که امکانات لازم برای ادغام موفق مهاجران در جامعه میزبان فراهم آید. از سوی دیگر، همکاری با جامعه بین‌المللی و بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها نیز می‌تواند در تدوین سیاست‌های مؤثر بسیار مفید باشد. در نهایت،

این اقدامات نه تنها می‌تواند فرصت‌های توسعه را تقویت کند، بلکه به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل فرهنگی میان دو ملت نیز کمک خواهد کرد.

References

1. Alaaldini, P. (2021), *Afghans in Tehran: Livelihoods, Housing, and Social Interactions*, Tehran: Kandoo Kav. [in Persian].
2. Baghban, M. (2023), *The Crisis of Afghan Refugee Expulsion from Pakistan and the Role of the Iranian Government Based on the Principle of Non-Intervention in International Law*, 13th International Conference on Political Science, International Relations, and Transformation. [in Persian].
3. Bahmani Gilavandani, Z. (2023), *Comparative Study of Ahmadinejad, Rouhani, and Raisi's Foreign Policies Towards Afghanistan*, First International Conference on Political Science, Law, and Religious Domains with a Future Outlook. [in Persian].
4. Davoodi, M. (2024), *Iranian and Russian Foreign Policy Regarding Developments in Afghanistan*, Tehran: Neda Entrepreneur. [in Persian].
5. Hatami, Z. (2024), *Afghanistan and the Iran Issue*, Tehran: Avanoosht. [in Persian].
6. Jalali Mehr, M. (2022), *Iran and Afghanistan: Opportunities and Threats*, Tehran: Manian Publications. [in Persian].
7. Karimi, A. (2024), *Migration; Opportunities and Challenges: A Study of the Economic and Social Status of Afghan Nationals*, Tehran: Aqae Publishing. [in Persian].
8. Shaterian, M. (2015), *International Migration with Emphasis on Afghan Migrants*, Tehran: Morsel. [in Persian].
9. Mohammadi, Y. (2021), *Afghan Migration to Iran and its Impact on National Security (1978–2021)*, Tehran: Bartarandishan. [in Persian].
10. Mousavi, S. M. S. (2024), *Consequences of Afghan Nationals' Migration on the Security of the Islamic Republic of Iran*, Mazandaran: Jihad Daneshgahi. [in Persian].
11. Mehrabi, F. (2018), *The Impact of Migration on Afghan Identity in Iran*, Tehran: Sanjesh and Danesh. [in Persian].